



ORIGINAL RESEARCH PAPER

# Juridical and Legal Analysis for Legislative Gaps of Wisdom Dia (BloodMoney)

Rahmatollah Rezaei<sup>1\*</sup>  Abol-Hasaan Shakeri<sup>2</sup>

**Received:**

21 Mar 2020

**Revised:**

27 Mar 2020

**Accepted:**

28 Mar 2020

**Available Online:**

01 Apr 2020

**Keywords:**

*Retaliation (Qisas),  
Blood Money (Dia),  
Psychological  
Interruption,  
Ath,  
Insanity.*

Abstract

**Background and Aim:** Wisdom (Aql) is one of god's blessings to man. In order to maintain the health of Wisdom, the holy legislator, supports against several minor and partial injuries to wisdom (Aql) and covers the damage by complete or partial Dia (Blood money). Consequently, chapter five of the second part of the Islamic Penal Code is dedicated to the problems of wisdom (Aql).

**Materials and Methods:** The descriptive - analytical approach has been chosen as the method of present study.

**Ethical Considerations:** Honesty and confidentiality as well as authenticity of the texts have been observed.

**Findings** It seems that there are serious weaknesses in Iranian legislative criminal system in this regard which did not mentioned in the juridical books. One of the most important examples is the concept of "Atah". Although the word "Atah" is common in a period between insane and Madness, but it does not mean insanity. Likewise, in explaining the position of this concept among mental disorders, due to the lack of interruptions in relation with the realities of the world around him as well as loss of function, it is placed in category of nervouses. In the case of retaliation in crimes which causes decline or lack of reason (Aql), the evidence of the group which agrees with the execution of punishment (Qisas) is Sound.

**Conclusion:** Iranian Penal Law should be modified to cover some kinds of Wisdom injuries.

<sup>1\*</sup> Assistant Professor of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: [Rezaei063@gmail.com](mailto:Rezaei063@gmail.com) Phone: +989113540139

<sup>2</sup> Professor, Department of Criminal Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

**Please Cite This Article As:** Rezaei, R & Shakeri, A (2020). "Juridical and Legal Analysis for Legislative Gaps of Aql Blood Money". *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (1): 31-38.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۳۱-۳۸)

## تبیین فقهی- پزشکی خلأهای تقنینی مربوط به دیه عقل

رحمت الله رضایی<sup>۱</sup>، ابوالحسن شاکری<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسوول) Email: [Rezaci063@gmail.com](mailto:Rezaci063@gmail.com)

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲ ویرایش: ۱۳۹۹/۱/۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۹ انتشار: ۱۳۹۹/۱/۱۳

### چکیده

**زمینه و هدف:** عقل از بزرگترین نعمت‌های الهی به انسان است. شارع مقدس با علم به این موضوع به منظور حفظ سلامت عقل، چتر حمایت خود را در برابر آسیب‌های متعدد جزئی و کلی وارد بر آن گسترانیده و برای صدماتی که موجب زوال آن می‌گردند دیه کامل و آنهایی که موجب نقصان عقل می‌گردند ارش را تعیین نموده است. به تبع، فصل پنجم از بخش دوم کتاب دیات در قانون مجازات اسلامی به مسائل پیرامون دیه عقل اختصاص یافته است.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق ما در این پژوهش، توصیفی- تحلیلی است.

**ملاحظات اخلاقی:** در راستای انجام این پژوهش، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** ضعف‌های جدی در بدنه نظام تقنینی کیفری ایران در این خصوص وجود دارد که محل تامل است و در کتب فقهی نیز به آن کمتر اشاره شده است. یکی از این مصادیق، خلأ مفهوم «عته» است. در تبیین این ماهیت می‌توان گفت اگرچه لفظ «عته» در برهه‌ای بین دوگانه مجنون و ناقص‌العقل دارای اشتراک لفظی بوده ولی بهترین حالت آن است که «عته» را چیزی غیر از جنون در نظر بگیریم. همینطور در تبیین جایگاه این مفهوم در بین اختلالات روانی شناخته شده، به دلیل عدم قطع ارتباط «معتوه» با واقعیات جهان پیرامونش و نیز توان نسبی اداره زندگی و عدم زوال کارکرد، در دسته نوروژها قرار می‌گیرد. همچنین در بحث قصاص در جنایات موجب زوال یا نقصان عقل، ادله گروهی که موافق اجرای قصاص در این قسم از جنایات هستند از ارجحیت برخوردار بوده و می‌توان قصاص در این جنایات را داخل در عمومات ادله قصاص قرار داد.

**نتیجه‌گیری:** نظر به کاستی‌های موجود در قانون مجازات اسلامی در خصوص مفهوم «عته»، اصلاح قانون ضرورت دارد.

**کلمات کلیدی:** قصاص، دیه عقل، اختلال روانی، عته، جنون.

## مقدمه

۱- بیان موضوع: در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تأسی از فقه امامیه موضوع حمایت از سلامت عقل در برابر آسیب‌های وارده مورد اشاره قرار گرفته و مقنن مواد ۶۷۵ الی ۶۸۱ کتاب دیات این قانون را به این مهم اختصاص داده است. با دقت در مواد مذکور مشخص می‌شود که در این خصوص ابهامات جدی و دقیقی وجود دارد که پاسخ به آنها ظاهراً از نظر قانون‌گذار پنهان مانده و علت آن نیز می‌تواند دلایلی نظیر کم سابقه بودن این موضوع در فقه و به تبع آن سکوت در کتب فقهی باشد. یکی از مصادیق بارز این خلاء قانونی، عدم اشاره به مفهوم و حکم «عته» به‌عنوان یکی از درجات نقصان عقل است. در روایات وارده از سوی اهل بیت (ع) یکی از عارضه‌های روانی که بعضاً دارای آثار حقوقی و موضوع احکام خاصی قرار گرفته، مفهوم «عته» (به فتح عین و فتح تاء و یا به ضم عین و سکون تاء) است. این مفهوم علیرغم ورود دیرباز به حیطة فقه به نظر می‌رسد دارای مرز بندی مشخصی از دیگر مفاهیم نزدیک به خود نظیر جنون، سفه و ... نیست و دقیقاً معلوم نیست آیا منظور از معتوه همان مجنون است و یا در عرض مجنون و چیزی غیر از آن قرار دارد! و مهم‌تر اینکه امروزه کدام دسته از اختلالات روانی قابل تطبیق با عته است و اگر بر اثر جنایت وارده کسی دچار عته گردد آیا پرداخت ارش راهکار مناسبی برای جبران خسارت وارده است یا اینکه باید دیه کامل پرداخت شود! ارائه تعریفی درست از مفهوم «معتوه» و یافتن راهکار مناسب برای جبران خسارت جانی در فرضی که با ایراد جنایت، مجنی‌علیه دچار «عته» گردیده و تطبیق این حالت با اختلال‌های روانی شناخته شده، هدف این نوشتار است.

۲- تبیین مفهوم: «عته» در لغت از یک سو به معنای نقص عقلی و بلاهت (جوهری، ۱۴۱۰: ذیل واژه عته)، مدهوشی که با جنون متفاوت است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ذیل واژه عته)، ضعف‌العقل، سفه عرفی (شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۶: ذیل واژه عته) و نیز نقص عقلی که نزدیک به جنون است (زبیدی، ۱۴۱۴: ابن منظور، ۱۴۱۴: جزیری، ۱۴۱۹: ذیل واژه عته) آمده و از سوی دیگر برخی از علمای اهل لغت بین «عته» و جنون

ترادف معنایی برقرار کرده‌اند. بر این اعتقاد معتوه را می‌توان همان مجنون و یا قسمی از آن به حساب آورد.

«عته» در اصطلاح فقهی نیز اکثراً به همین دو معنا آمده است. بعضی از فقها «معتوه» را به‌عنوان شخصی که بلاهت فراوانی دارد دانسته (طوسی، بی‌تا: ۱۲۱/۵؛ طوسی، ۱۳۹۱: ۴۴۷؛ ابن‌حمزه، ۱۴۰۸: ۱۷۳؛ ابن‌ادریس، ۱۳۹۰: ۳۱۲/۳) و برخی دیگر «معتوه» را به‌عنوان شخصی که عقلی ندارد تعریف کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۶۹) بعضی فقها نیز از «معتوه» به‌عنوان شخصی ضعیف‌العقل (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۸۳) یا ناقص‌العقلی که نه مجنون است و نه حیران و سرگشته تعبیر نموده‌اند. (المقری الفیومی، ۱۴۱۴: ۷۳) صاحب جواهر اما در مورد «معتوه» تعبیر ناقص‌العقلی که به مرحله جنون نرسیده است را به کار می‌برد و آن را به سفیهی که در عرف احمق شناخته می‌شود و نه سفیه شرعی تعریف می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۲) علامه در تعریفی متفاوت از آنچه گفته شد «معتوه» را شخصی می‌داند که دچار نقیصه عقلی است و رشد عقلی اش متوقف شده لیکن مجنون به حساب نمی‌آید بلکه با توجه به میزان رشد عقلی‌اش باید مجازات شود. (علامه‌حلی، ۱۴۲۰: ۱۱۱/۲) در کشف الغطاء نیز (کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۸۶/۲) در تعریفی نزدیک به آنچه علامه حلی ارائه داده، «عته» حد وسط جنون و عقل آمده است.

به تحقیق نگارنده، اگرچه ممکن است در برهه‌ای «معتوه» دارای اشتراک لفظی بین معانی مجنون و ناقص‌العقل باشد ولی مجنون با «معتوه» مترادف نیست و «عته» حالتی از نقص عقل است که به درجه جنون نرسیده است، پس تعاریفی که این دو مفهوم را مترادف همدیگر نشان می‌دهند به نظر دارای اشکال است.

۳- روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت تحلیلی و توصیفی است.

## بحث و نظر

## ۱- جایگاه عته در اختلالات روانی

با این پیش فرض که «معتوه» شخصی غیر از مجنون است، در تطبیق «عته» با اختلالات روانی شناخته شده ابتدا باید گفت

که اختلالات روانی به دو دسته سایکوزها (روان‌پریشانه) و نوروزها (غیر روان‌پریشانه) تقسیم می‌شوند (ستوده و همکاران: ۱۳۸۷: ۶۹) که تماماً علت زیستی و عارضی دارند و به واسطه اختلال در قوای عقلانی، کارکرد عقل را زائل نموده یا کاهش می‌دهند. مشخصه بارز اختلال روان‌پریشانه، توهم و قطع ارتباط فرد با واقعیت است. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۹۵) اسکیزوفرنی، اختلال دو قطبی و اختلال شخصیت پارانویید از اقسام اختلالات سایکوز است که موجب اختلال شدید در کارکردهای روانی همچون اندیشه، عاطفه، ادراک، تمرکز، توجه و بصیرت می‌شود (رضایی، ۱۳۹۷: ۶۶) به نحوی که شخص درک درستی از پیرامون خود ندارد. در مقابل، اختلال روانی نوروزها (غیر روان‌پریشانه) شامل اختلال ضد شخصیت اجتماعی، اختلال شخصیت خود شیفته، افسردگی، اختلال خواب، عقب ماندگی ذهنی و اختلالات شبه جسمانی و استرس است که هرچند موجب قطع تماس با واقعیت نیستند ولی در تصمیم‌گیری و قضاوت اشخاص نسبت به جهان پیرامون تاثیرگذار می‌باشد. (ستوده و همکاران: ۱۳۸۷: ۶۹)

درخصوص جانمایی «عته» در هر یک از دسته‌های دوگانه فوق، از آنجا که بهترین توصیف از «معتوه» شخص کم‌خردی است که با مجنون متفاوت است و می‌توان او را در زمره مصادیق عقب ماندگان ذهنی دارای اراده و درک که توان نسبی اداره زندگی را در بسیاری از امور دارا است به حساب آورد، (اگرچه ممکن است در اموراتی چون انتخاب همسر یا مباحث مالی نیازمند کمک باشند ولی کارکرد عقلشان زائل نبوده و ارتباطشان با واقعیت قطع نگردیده است) لذا قرار دادن این افراد ذیل اشخاصی دارای اختلال روانی غیر روان‌پریشانه (نوروزها) مناسب خواهد بود. در مرحله بعد و این که بین طبقه نوروزها، کدام زیر مجموعه آن قابل تطبیق بر «معتوه» است، برخلاف نظر برخی (قبادی و علمی، ۱۳۹۴: ۳۶) که برای این دسته از افراد، نظیری را در اقسام اختلالات روانی قابل انطباق ندانسته‌اند، به نظر می‌رسد که خصوصیات این دسته از افراد اگر چنانچه زیر هجده سال باشند با اختلالات عقب ماندگان ذهنی و یا با کسانی که دارای اختلالات یادگیری هستند هم‌پوشانی

بالایی دارد؛ همین‌طور خصوصیات «معتوه» بالای هجده سال نیز با کم توانان ذهنی دچار اختلالات یادگیری، دارای تطابق زیادی است. (کرینگ، ۱۳۹۱: ۶۰۳) ثمره مهم این رهیافت در اینجا است که به کمک آن در فرض ایراد جنابت موجب «عته» از میان دوگانه دیه یا ارش، می‌توان پرداخت ارش را به جانی تحمیل نمود چراکه این عارضه کارکرد عقل را به کلی زائل نکرده و موجب قطع ارتباط فرد با واقعیت جهان پیرامون خود نخواهد شد.

از آنجا که «عته» برخلاف جایگاه فقهی آن، در قانون مجازات اسلامی شناخته شده نیست و این قانون فقط به‌طور کلی در ماده ۶۷۵، زوال عقل را از اسباب دیه کامل و ایجاد نقصان در آن را از اسباب ارش دانسته است، شایسته است که مقنن ضمن ماده یا تبصره‌ای مستقل، به توصیف این پریشانی روانی (شناخته شده در فقه که از دیرباز موضوع حکم آثار حقوقی بوده) بپردازد تا از این رهگذر بتوان جهت اجرای هرچه بهتر عدالت و دفع ضرر و رفع تحیر محاکم قضایی گام برداشت.

## ۲- قصاص در جنایات موجب زوال یا نقصان عقل

طبق ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، در فرضی که رفتار جانی (مانند ایراد ضربه و یا ایجاد وحشت) موجب نقصان عقل مجنی‌علیه و نقصان عقل او (=عته) گردد، امکان قصاص منتفی بوده و صرف اکتفا به اخذ دیه وجود دارد: «جنایتی که موجب زوال عقل یا کم شدن آن شود هرچند عمدی باشد حسب مورد موجب دیه یا ارش است و مرتکب قصاص نمی‌شود.» اینکه مقنن چگونه به این موضوع دست یافته که در منفعت عقل که جزء مصادیق منافع انسان است، قصاص وجود ندارد، اختلاف ناشی از ابهام در ارشادی یا مولوی بودن نهی شارع است. در اینجا باید روشن شود که آیا مقنن چنین اجازه‌ای از سوی شارع مقدس داشته است که اینگونه درخصوص عدم قصاص در جنایات موجب زوال یا نقصان عقل و تبدیل آن به دیه حتی در صورت امکان برقراری مماثلت سخن بگوید یا خیر! این موضوع، مصداقی از موارد قصاص در منفعت است و اساساً در قصاص منفعت نظرات فقها به دو دسته مخالفین و موافقین تقسیم می‌شود.

## ۳-۱- مخالفین اجرای قصاص

این گروه از فقها، قصاص در جنایات موجب زوال نقصان عقل را یا به این علت که قصاص در جنایات وارد بر منافع عقل نیز جزو مصادیق آن است، اساساً جاری نیست و یا به علت عدم امکان مماثلت و تساوی در جنایات موجب زوال یا نقصان عقل و اینکه در اینگونه موارد احتمال سرایت به نفس و تلف جسمانی وجود دارد، مجاز نمی‌شمرند. البته به دلایل فوق باید قاعده احتیاط در خون را نیز اضافه نمود.

## ۳-۲- موافقین اجرای قصاص

ادله موافقین اجرای قصاص در جنایات موجب زوال یا نقصان عقل، به اختصار، بدین شرح است: (۱) قصاص در منافع داخل در عمومات قصاص است و آیات متعددی (مائده/۴۵؛<sup>۱</sup> بقره/۱۹۴؛<sup>۲</sup> نحل/۱۲۶)<sup>۳</sup> بر آن دلالت دارد. (۲) صحیحه رفاعه که از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل نموده که در زمان خلافت عثمان، شخصی نزد خلیفه برای شکایت از مردی رفت که با سیلی محکمی باعث شده تا آب چشمش بریزد در حالیکه حدقه آن سالم بود. عثمان حکم به پرداخت دیه نمود ولی شاکی آن را نپذیرفت. عثمان هر دو را نزد علی<sup>(ع)</sup> فرستاد و علی<sup>(ع)</sup> نیز به شاکی پیشنهاد اخذ دیه نمود ولی او نپذیرفت. علی<sup>(ع)</sup> پیوسته مقدار دیه را بالا برد تا اینکه به دو دیه رسید و شاکی همچنان از اخذ دیه شانه خالی می‌کرد و قصاص می‌خواست و امام در این وقت او را قصاص نمود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۹/۱۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۵۱/۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۶) حسب این روایت، بینایی که منفعت چشم است مورد قصاص قرار گرفته و البته منفعت بینایی موضوعیت ندارد

## ۳-۳- مختار نگارنده

به زعم نگارنده دلائل موافقین اجرای قصاص موجه‌تر است. چنانچه دلیل مخالفت در اجرای قصاص در منافع عقل، ترس از عدم امکان مماثلت و رعایت تساوی باشد، فرض آن است که

بر اثر پیشرفت علم و تکنولوژی امکان برقراری مماثلت و رعایت تساوی وجود دارد. از سویی دیگر ادله قصاص (و به‌طور خاص این فراز از آیه شریفه: و الجروح قصاص)، عام است و شامل نفس و هم شامل عضو و منفعت می‌شود. قاعده احتیاط در خون نیز ایجاب می‌نماید که جوانب احتیاط در قصاص تدارک دیده شود و فرض مساله، امکان ایجاد مماثلت و تساوی است. با پیشرفت علم و تکنولوژی، محتمل است که بشر امروزی بتواند با اختراع ماده‌ای و تزریق یا خوردن آن به دیگری وی را دچار صدماتی نظیر زوال یا نقصان عقل نماید. عدالت و انصاف نیز حکم می‌کند که زمانی که قصاص در منافع جاری است در تمام فروع آن نیز جاری باشد.

## نتیجه‌گیری

در تبیین ماهیت «عته» به‌دست آمد که اگرچه این لفظ در برهه‌ای بین دوگانه مجنون و ناقص‌العقل دارای اشتراک لفظی بوده ولی بهترین حالت آن است که «عته» را چیزی غیر از جنون در نظر بگیریم. همین‌طور در تبیین جایگاه «عته» در بین اختلالات روانی شناخته شده، به دلیل عدم قطع ارتباط «معتوه» با واقعیات جهان پیرامونش و نیز توان نسبی اداره زندگی و عدم زوال کارکرد، در دسته نوروها قرار می‌گیرد و از بین نوروها اگر «معتوه» زیر هجده سال باشد با اختلالات روانی عقب ماندگان ذهنی و کسانی که دچار اختلالات یادگیری هستند قابلیت تطابق دارد و اگر معتوه بالای هجده سال باشد با افرادی که جزء کم توانان ذهنی هستند که آنها نیز در دسته اشخاصی که دچار اختلالات یادگیری می‌باشند قابلیت تطبیق و هم پوشانی دارد؛ پس می‌توان برای جنایات موجب «عته» از بین دیه و ارش، ارش را انتخاب نموده لذا بجا است که مقنن فرض جنایات وارد بر معتوه را در تبصره جداگانه‌ای در نظر بگیرد تا از این طریق ضعف قانون مجازات اسلامی در این زمینه جبران و در جهت اجرای هر چه بیشتر عدالت و رفع تحیر محاکم قضایی گام برداشته شود.

همچنین در بحث قصاص در جنایات موجب زوال یا نقصان عقل، ادله گروهی که موافق اجرای قصاص در این قسم از

<sup>۱</sup> - و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین و الانف بالانف والاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص.

<sup>۲</sup> - فمن اعتدی علیکم فاعتدوا بمثل ما اعتدی علیکم.

<sup>۳</sup> - و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش و نهایی سازی متن مقاله توسط نویسنده مسوول صورت گرفت و تهیه منابع و پلان تحقیق بر عهده آقای دکتر شاکری بوده است.

**تشکر و قدردانی:** از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند تشکر می‌نماییم.

**تامین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تامین کننده مالی بوده است.

جنايات هستند از ارجحيت برخوردار بوده و می‌توان قصاص در این جنايات را داخل در عموماً ادله قصاص قرار دارد. همینطور اقتضای عدالت و انصاف، جلوگیری از سوء استفاده و تجری افراد حکم می‌کند که در صورت پیشرفت علم و تکنولوژی و امکان برقراری مماثلت و همانندی بین قصاص و جنايت وارده، در چنین جناياتی نیز قصاص انجام گیرد. لذا شایسته است لحن مقنن در ماده ۶۷۷ از نهی مولوی به ارشادی تغییر یافته در تبصره‌ای جداگانه فرض قصاص در صورت فوق‌الذکر تعبیه گردد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابن‌ادریس، محمد ابن احمد (۱۳۹۰). *السرائر*. جلد سوم، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن‌حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸). *الوسیله الی نیل الفضیله*. تحقیق الشیخ محمد الحسون، قم: نشر آیت‌اله مرعشی نجفی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان‌العرب*. الطبعة الثالث، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹). *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل‌البيت (ع)*. بیروت: دارالتقلین.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح-تاج‌اللغه و صحاح العربیه*. بیروت: دار العلم للملایین.
- المقرئ الفیومی، احمد ابن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: موسسه دار الهمجره.
- بشیری، تهمورس (۱۳۷۸). «تعامل مفاهیم حقوقی و روان پزشکی جنون». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۸ (۳): ۸۵-۹۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل‌الشیعه*. قم: موسسه آل‌البيت (ع).
- رضایی، رحمت‌الله (۱۳۹۷). *دیه عقل در حقوق کیفری ایران*. رساله دکتری به راهنمایی دکتر ابوالحسن شاکری، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). *تاج‌العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر.
- سادوک، جیمز و سادوک، ویرجینیا آلکوت (۱۳۹۵). خلاصه *روان‌پزشکی*. ترجمه فرزین رضایی، تهران: انتشارات ارجمند.
- ستوده، هدایت‌اله؛ میرزایی، بهشته و بازند، افسانه (۱۳۸۷). *روان‌شناس جنایی*. چاپ پنجم، تهران: آوای نور.
- شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۲). *معجم فقه الجواهر*. الطبعة الثانيه، قم: موسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی.
- شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بيت (ع)*. قم: موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۰۴). *ریاض‌المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*. قم: موسسه آل‌البيت.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد (۱۳۹۱). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. قم: انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد (۱۴۰۷). *تهذیب‌الاحکام*. جلد پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد (بی‌تا). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. جلد پنجم، قم: انتشارات قدس.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*. جلد دوم، قم: موسسه امام صادق (ع).
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *کتاب‌العین*. چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- قبادی، کاوه و علمی، محمدرضا (۱۳۹۴). «موضوع‌شناسی عته». *مجله مطالعات اسلامی، فقه و اصول*، ۴۷ (۱۰۳): ۹۵-۱۱۷.
- کاشف‌الغطاء، جعفر (بی‌تا). *کشف‌الغطاء عن مبهمات الشرعیه الغراء*. جلد دوم، اصفهان: انتشارات مهدوی.
- کرنیگ، آنم (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی روانی (روانشناسی نابهنجاری)*. ترجمه حمید شمسی پور، چاپ دوم، تهران: انتشارات ارجمند.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. چاپ چهارم، جلد هفدهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر‌الكلام فی شرح شرایع الاسلام*. تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.



## References

- Ibn Edris, M (1970). *Al-Saraer*. Vol 3, Qum: Eslami Press. (Arabic)
- Ibn Hamzeh, M (1988). *Al-Vasileh*. Qum: Marashi Press. (Arabic)
- Ibn Manzour, M (1994). *Lesan Al-Arab*. 3<sup>rd</sup> ed. Beirut: Al-Fekr Press. (Arabic)
- Al-Jaziri, A (1999). *Al-Feq Ala Mazaheb Al-Arbae*. Beirut: Saqlein Press. (Arabic)
- Al-Johari, E (1990). *Al-Sehah*. Beirut: Al-Elm Press. (Arabic)
- Al-Moqerri, A (1994). *Al-Mesbah Al-Monir*. Qum: Al-Hejra Press. (Arabic)
- Bashirieh, T (1999). "Psychological and Legal Definitions of Insanity". *Journal of Law and Politics*, 38 (3): 85-95. (Persian)
- Hor Ameli, M (1989). *Vasel Al-Shia*. Qum: Ale Bait Press. (Arabic)
- Rezaei, R (2018). *Blood Money of Aql in Iranian Criminal Law*. PhD Thesis in Consultation of Abol-Hasan Shakeri, Babolsar: Mazandaran University. (Persian)
- Zobeidi, M (1994). *Taj Al-Arous*. Beirut: Al-Fekr Press. (Arabic)
- Sadok, J & Sadok V (2016). *Summary of Psychology*. Translated by: Fouzin rezaei, Tehran: Arjmand Press. (Persian)
- Sotoudeh, H (2008). *Criminal Psychology*. 5<sup>th</sup> ed. Tehran: Avaye Noor Press. (Persian)
- Shahroudi, SM (2001). *Mojam Fiq Javaher*. 2<sup>nd</sup> ed. Qum: Daere Al-Maaref Fiq Press. (Arabic)
- Shahroudi, SM and Others (2005). *Farhang Fiq*. Qum: Daere Al-Maaref Fiq Press. (Persian)
- Tabatabaei, SA (1984). *Riaz Al-Masael*. Qum: Ale Bait Press. (Arabic)
- Tarihi, F (1996). *Majma Al-Bahrein*. Tehran: Mortazavi Press. (Arabic)
- Tousi, M (1987). *Tahzib Al-Ahkam*. Vol 5, Tehran: Kotob Eslami Press. (Arabic)
- Tousi, M (1971). *Al-Mabsout*. Qum: Kotob Eslami Press. (Arabic)
- Tousi, M (N.D). *Al-Nahaye*. Vol 5, Qum: Qods Press. (Arabic)
- Allameh Helli, H (2000). *Tahrir Al-Ahkam*. Vol 2, Qum: Emam Sadeq Press. (Arabic)
- Farahidi, Kh (1990). *Ketab Al-Ein*. 2<sup>nd</sup> ed. Qum: Hejrat Press. (Arabic)
- Qobadi, K & Elmi, MR (1974). "Atah". *Journal of Islamic Studies*, 47 (103): 95-117. (Persian)
- Kashef Al-Qeta, J (N.D). *Kashf Al-Qeta*. Vol 2, Esfahan: Mahdavi Press. (Arabic)
- Kernic, A (2012). *Psychological Pathology*. Translated by Hamid Shamsi Pour, 2<sup>nd</sup> ed. Tehran: Majd Press. (Persian)
- Koleini, M (1987). *Al-Kafi*. 4<sup>th</sup> ed. Vol 17, Tehran: Kotob Eslami Press. (Arabic)
- Najafi, M (1984). *Javaher Al-Kalam*. 7<sup>th</sup> ed. Beirut: Ehya Toras Arabi Press. (Arabic)